

به پرسنل میهن پرست ارتش

در صفحه ۶

شماره ۱۲ - دوره دوم - سال اول - اردیبهشت ماه ۶۴ - قیمت ۳۰ ریال

تلاش لیبرالها برای به انحراف کشاندن مبارزه مردم را افشا کنیم!

آنها شامند که جنبش اعتراضی کارگران و توده‌ها در حال گسترش است و آن را خطری برای حاکمیت جمهوری اسلامی و برای خود می‌بینند. لذا پس از تاکید دوباره و چند باره بر وفاداری خود به نظام جمهوری اسلامی، به سردمداران رژیم درباره بحران اجتماعی عمیق هشدار می‌دهند و از آنها می‌خواهند با پذیرش راه حل پیشنهادی آنها از افتادن جریان امور به "راه‌های انحرافی" یعنی راه انقلابی جدید که موجودیت نظام ضد خلقی و ضد کارگری جمهوری اسلامی و منافع لیبرالها را به خطر می‌اندازند، جلوگیری کنند. آنها به مردم نیز "توصیه" می‌کنند از راه‌های انحرافی" یعنی راه مبارزه انقلابی و "قیام برای براندازی" رژیم بپرهیزند و راه "قانونی و انسانی" پیشنهادی آنها، یعنی راه دفاع از اساس نظام جمهوری اسلامی و کداهی برای امتیازات و تغییرات جزئی از رژیم را تعقیب نمایند. و این در حالی است که مسائل اساسی جامعه و بحران عمیق کنونی تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال کامل قدرت بدست کارگران و توده‌ها می‌تواند بطور ریشه‌ای و واقعی حل شود و خواست‌های اساسی مردم تنها در چنین صورتی تامین می‌شود. این خط در سراسر اعلامیه‌ها و سخنان لیبرالها موج می‌زند. بعنوان نمونه در اعلامیه‌ای بنام "هشدار"، نهضت آزادی که نیروی عمده لیبرالها را در خود جای می‌دهد، ابتدا مردم را به وفاداری به اساس نظام جمهوری اسلامی دعوت می‌کند و به آنها گوشزد می‌کند که "مردم نباید عملکرد حاکمیت و دولتمردان کنونی را به حساب نظام جمهوری اسلامی بگذارند." چرا؟ برای اینکه به نظر لیبرالها عملکرد ضد کارگری و ضد خلقی رژیم نه از ماهیت جمهوری اسلامی، بلکه از "بی‌اطلاعی و خودکامگی برخی از مسولین" ناشی می‌شود. بقیه در صفحه ۴

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی در همه عرصه‌های حرکت خود، چون جنگ، اقتصاد، سرکوب اعتراضات توده‌ها و خفه کردن نیروهای انقلابی شکست خورده و این شکست هم برای مردم و هم برای خود سردمداران رژیم آشکار شده است، و در شرایطی که مبارزه اعتراضی کارگران و اقشار گوناگون مردم علیه رژیم گسترش یافته است، جریانات و عناصر لیبرال جنب و جوش تازه‌ای یافته و بر دامنه فعالیت سیاسی خود افزوده‌اند تا به رسم همیشگی‌شان، ضمن دفاع از اساس رژیم خود را به حرکت مردم بچسبانند و آن را "وجه المصلحه" خود با رژیم و گرفتن امتیازاتی به نفع خویش قرار دهند. لیبرالها به دولتمردان دست‌اندرکاران رژیم درباره "بحران عظیم و هم‌جانانه‌ای" که روز بروز شدیدتر می‌گردد و ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند" یعنی بحرانی که خود رژیم مسبب آن است، "هشدار" می‌دهند، "اعلام خطر" می‌کنند و از رژیم می‌خواهند با پذیرفتن "راه حل" پیشنهادی آنها در جهت "تقلیل بحران" و "جلوگیری از پی‌آمدهای خطرناک آن" حرکت کند و بدین طریق خود را از "بن‌بست" خارج سازد. لیبرالها ضمناً مردم را نیز مورد خطاب قرار می‌دهند و از آنها می‌خواهند از راه‌های "افراطی" و "انحرافی" اجتناب ورزند و در راه پیشنهادی آنها گام نهند و برای رسیدن به اهداف مورد نظر آنها بکوشند.

اما اهداف مورد نظر لیبرالها کدام است؟ لیبرالها از يك طرف خواهان آن هستند که در حاکمیت سیاسی نقش و سهم بیشتری داشته باشند یعنی سهم‌شان در قدرت سیاسی متناسب با قدرت اقتصادی آنها که در سال‌های پس از انقلاب بهمن نیز بر آن افزوده شده است، باشد و آنها بتوانند کیسه‌های پول خود را یازهم بیشتر و "آزادتر" به حساب دسترنج زحمتکشانشان پر کنند. از طرف دیگر

فدائی

ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران

کوی ۱۳ آبان: تعرض آشکار مردم علیه جنگ و رژیم

روز چهارشنبه بیست و یکم فروردین در کوی کوچک ۱۳ آبان در جنوب شهر تهران، آتش خشم و نفرت مردم علیه جنگ، شعله کشید. در این روز مزدوران گشت کمیته به جوانی که پدر و مادر خود را در بمبارانهای هواپیما از دست داده بود و به جنگ و رژیم جنگ طلب دشنام می‌داد حمله کردند. مردم یکمدا به حمایت از جوان و اعتراض علیه جنگ برخاستند. شعارهای "ما جنگ نمی‌خواهیم"، "مرک بر پاسدار" و "مرک بر خمینی" در کوی ۱۳ آبان طنین افکن شد. پاسداران کمیته ضد خلقی به روی خلق آتش کشوندند. دامنه اعتراض و درگیری گسترش یافت. لحظه به لحظه بر تعداد جمعیت افزوده شد و تظاهرات گسترده مردم با خشم و نفرت فزونتر ادامه یافت. رژیم که از حرکت قهرمانانه توده مردم بشدت وحشت زده شده بود با بسیج نیروهای سرکوبگر سپاه، کمیته و شهرپایی به محله حمله کرد. عوامل رژیم کوی ۱۳ آبان را به محاصره درآوردند، به سرکوب وحشیانه زنان و مردان دست زدند و بیش از ۵۰۰ تن از مردم را دستگیر و به وحشیانه‌ترین شکل به شکنجه‌گاه اوین و سایر زندانهای تهران منتقل کردند. رژیم ضد خلقی تمامی توان و قدرت خود را بکار گرفت تا از انعکاس تظاهرات توده مردم در سطح شهر تهران جلوگیری بعمل آورد. اما امواج خیر این تظاهرات قهرمانانه و توده‌ای بسرعت در تهران و شهرهای سراسر ایران طنین‌افکن شد. خبر از مرزهای اختناق رژیم نیز فراتر رفت و بگوش مردم جهان رسید.

حرکت ۱۳ آبان نشان دهنده عمق جنبش صلح طلبانه در جامعه و شاخص مقطع جدید در مبارزه توده‌ها علیه جنگ است.

ویژگی‌های این مقطع کدامند؟

در این مقطع، گستردگی و همزمانی حرکات اعتراضی و تظاهرات متعدد، شرکت وسیع توده‌ها، مضمون شعارها و اشکال تعرضی اعتراضات، آن ویژگی‌هایی هستند که این حرکات را از تمامی حرکات قبلی متمایز می‌کنند.

در این مقطع حرکات اعتراضی و تظاهرات توده‌ای همزمان در تهران، بروجرد، خرم‌آباد، تبریز، رامهرمز، بانه، سوسنگرد، مشهد و انزلی و ... صورت گرفت.

در این میان تظاهرات توده‌ای کوی ۱۳ آبان علیه جنگ و علیه رژیم اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد. تظاهرات توده‌ای کوی ۱۳ آبان به وضوح بقیه در صفحه ۴

در صفحه ۸

اول ماه مه، روز تجلی همبستگی بین المللی کارگران

در صفحه ۵

اخبار مبارزات مردم علیه جنگ ویرانگر

"ما طالب صلح هستیم ما جنگ نمی‌خواهیم"

در صفحه ۶

پیام پلنوم ششم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران به رفقای سازمانی

نام و یاد رفیق شهید دکتر هوشنگ اعظمی جاودانه است

گرامی باد ۲۱ اردیبهشت سالروز شهادت قهرمانانه خسرو روزبه

روز معلم را با گسترش مبارزه علیه رژیم ضد فرهنگ گرامی داریم

در راه صلح - کار - آزادی مبارزه کنیم

کوی ۱۳ آبان بقیه از صفحه ۱

نشان داد که نفرت و انزجار توده‌ها نسبت به جنگ و نسبت به رژیم به آنچنان حدی از تراکم رسیده است که می‌تواند در هر لحظه و با هر محمل و انگیزه بصورت حرکت انفجاری توده‌ای بروز کند حرکت ۱۳ آبان نشان داد که جنبش ضد جنگ و صلح‌طلبانه مردم در اعماق جامعه رو به گسترش دارد.

در تظاهرات توده‌ای کوی ۱۳ آبان شعارهای ضد جنگ یا شعارهای ضد رژیم گره خورد و توأم گردید. در حرکات اعتراضی نه چندان کم اما کوچک و پراکنده قبلی، این شعارها هرگز بدینصورت توأم نشده بودند. نه در حرکت اعتراضی مردم در فول در فروردین ۶۲ که منجر به دستگیری بیش از ۱۵۰ نفر گردید، نه در اعتراض ۴۰۰۰ نفره توده‌های جنگ‌زده عرب در شهرک طالقانی ماهشهر با شعار "بندالحرب نرجع لیبوتنا" (جنگ را تمام کنید به خانه‌هایمان برگردیم) در شهریورماه ۶۲ و نه در اعتراضات مردم خرم‌آباد، درود، مسجد سلیمان، بروجرد و رامهرمز در تابستان ۶۳ و اواخر اسفندماه ۶۳ هیچگاه شعارهای ضد جنگ و ضد رژیم تا به این درجه از وضوح و گستردگی که در حرکت کوی ۱۳ آبان جلوه‌گر شد، تلفیق و توأم نشده بود. حرکت توده‌ای کوی ۱۳ آبان همچنین در زمانی زیاده کشید که کمی پیش از آن رژیم در عملیات بدر ۳۰۰۰ جوان دیگر را بگام مرك افکنده بود و مردم در تظاهرات کوی ۱۳ آبان نفرت و انزجار خود را از این سفاکی رژیم نشان دادند. بعلاوه توده‌ها در جریان بمبارانها شکست و ضعف رژیم را به چشم خود دیدند و این امر در تشدید روحیات ضد جنگ و تسریع تغییر روحیه توده‌ها بسمت تعرض آشکار علیه جنگ و علیه رژیم تاثیر گذاشت.

نکته مهم دیگر اینکه حرکت ۱۳ آبان در تهران یعنی در مرکز کنترل و قدرت پلیسی رژیم، بخصوص در جنوب شهر تهران و در یکی از محلات توده‌ای جلوه کرد.

در اینجا توده‌های زحمتکش، کارگران و زنان و مردان جنوب شهر تهران پا به میدان گذاشته‌اند و رژیم خونریز جمهوری اسلامی را با تمامی قوای سرکوب آن، بر سر حیاتی‌ترین مساله رژیم و مردم یعنی جنگ و صلح، مورد تعرض آشکار و شجاعانه قرار داده‌اند و همین خصلت توده‌ای و تعرض آشکار و شجاعانه توده‌ها علیه جنگ و رژیم است که مهمترین و موثرترین عنصر متمایز کننده حرکت ۱۳ آبان از حرکات قبلی است. صف‌آرایی واقعی در محله ۱۳ آبان صف‌آرایی بین همه مردم ایران از یکسو و رژیم جنون جنایت از سوی دیگر است. زحمتکشان کوی کوچک ۱۳ آبان نه صدای خود بلکه فریاد اعتراض يك ملت را بگوش مردم جهان می‌رسانند. در اینجا این توده‌های مردمند که گلوی رژیم را در مهمترین عرصه نبرد مردم علیه رژیم، در دستهای نیرومند خود فشرده‌اند. اینجا جنوب شهر تهران است. و در اینجا است که تمامی قدرت جهنمی سرکوب و نیرنگ رژیم " حامی مستضعفان جهان" علیه " مستضعفان" کوی کوچک ۱۳ آبان بکار گرفته می‌شود اما نتیجه آن پیروزی اراده توده‌ها، پیروزی مطلق حقانیت

و برتری معنوی آنان و رسوائی هرچه بیشتر رژیم جنایتکار در انظار توده‌های میلیونی مردم سراسر ایران و جهان است. اهمیت عظیم تظاهرات توده‌ای کوی ۱۳ آبان نیز درست از همین نتایج و از تاثیرات آن بر روند مبارزات توده‌ها، ناشی می‌شود. حرکت انقلابی کوی ۱۳ آبان که خود محصول تراکم انزجار توده‌ها نسبت به جنگ و بیانگر رشد جنبش اعتراضی توده‌ها در اعماق جامعه است بشو به خود فریاد بلندی در دعوت توده‌های سراسر میهن به گسترش مبارزه علیه تمامیت رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی است. فریاد دعوتی که در سراسر میهن طنین افکنده است. حرکت ۱۳ آبان نشان داد که جنبش ضد جنگ و صلح‌طلبانه در اعماق جامعه رو به گسترش دارد. توده‌های مردم آماده مبارزه آشکار علیه رژیم‌اند و آتش این مبارزه در هر لحظه و به انگیزه‌ها و محمل‌های گوناگون شعله‌ور خواهد شد.

رژیم برای سرکوب حرکت توده‌ای به کدامین تاکتیکها متوسل شد؟

رژیم جمهوری اسلامی در هراس مرکب از تظاهرات توده‌های زحمتکش جنوب شهر تهران و در هراس از بازتاب این حرکت اعتراضی در میان مردم سراسر میهن، برای خفه کردن فریاد زحمتکشان کوی ۱۳ آبان نیروهای سرکوبگر خود را به خشن‌ترین شکل وارد صحنه کرد. رژیم در اولین برخورد تاکتیک سرکوب خشن، ایجاد جو رعب و وحشت، خفه‌کردن صدای اعتراض مردم و جلوگیری از انعکاس و گسترش آن را بکار گرفت. محاصره محله، بخاک و خون کشاندن مردم، دستگیری‌های وسیع و بدنبال آن خانه‌گردی شبانه و دستگیری جوانان و تلاش همجانبه برای جلوگیری از انتشار خبر، نتوانست تاکتیک رژیم را به ثمر رساند. این تاکتیک بسیار زودتر از آنچه که رژیم می‌اندیشید در برابر تاکتیک خبر رسانی توده‌ای با شکست سنگینی روبرو شد. خبر تظاهرات خونین زحمتکشان کوی ۱۳ آبان توسط توده‌های مردم و نیروهای انقلابی بسرعت در تهران و سراسر ایران منعکس شد و موج حمایت و همدردی توده‌ها را برانگیخت.

رژیم و همه دستگاه‌های سرکوب آن سلیبی سخت زحمتکشان جنوب تهران را در نهایت بهت و وحشت احساس کردند. سردمداران رژیم با همه قدرتمندی خود، در برابر حرکات اعتراضی توده‌ها درمانده شدند. رژیم که گرفتار وحشت و دستپاچگی شده بود بار دیگر به تاکتیک شناخته شده و رسوای "مبارزه با بی‌حجابی" متوسل شد. رژیم بقصد ترساندن مردم، جلوگیری از ادامه حرکات اعتراضی نسبت به جنگ ارتجاعی، پرده‌پوشی اعتراضات و خنثی کردن تاثیرات سیاسی تظاهرات کوی ۱۳ آبان، دسته‌های مزدور را در خیابانهای تهران با شعار نفرت‌انگیز "جنگ جنگ تا پیروزی" براه انداخت. دسته‌های مزدور " حزب‌اله"، با شرکت و حمایت مستقیم عوامل سپاه و بسیج طی چندین روز متوالی با حمله به زنان و دختران مردم، فحاشی و کتک‌کاری، حمله به مغازه‌ها چیزی جز ننگ و نفرت برای اربابان خود ببار نیاروندند. مردم بار دیگر دشمنی کینه توزانه رژیم و درماندگی و ناتوانی آن را در برابر مردم در خیابانهای تهران

بچشم دیدند و رذالت و وحشیگری‌های مزدوران رژیم را با تنفر و انزجار پاسخ دادند. نه سرکوب مستقیم مردم و به خاک و خون کشاندن آنان توسط عوامل سپاه و کمیته و شهرستانی و نه گسیل دسته‌های مزدور پیاده و موتور سوار به خیابانها، هیچکدام نتوانستند منظور رژیم را برآورده کنند. نتیجه هر دو تاکتیک یکسان بود: رسوائی هرچه بیشتر رژیم در انظار توده‌ها! رژیم با توسل به دسته‌های " حزب‌اله"، و با مصاحبه‌های تلویزیونی خامنه‌ای و ناطق نوری دست به يك خود افشاکاری زد و نشان داد که تا چه میزان در میان مردم منزوی است و تنها بر اقلیت محدودی که با انگیزه‌های مادی و جهالت و تعصب کور مذهبی بسیج می‌کند، تکیه دارد. تظاهرات ۱۳ آبان و تظاهرات متعاقب آن در سایر مناطق تهران، تظاهرات مردم تبریز، مشهد، بروجرد، خرم‌آباد، رامهرمز و دیگر شهرها نشان می‌دهد که اولاً جنبش ضد جنگ از دامنه گسترده‌تر، پیوسته‌تر و از عمق بیشتر برخوردار می‌گردد و با این ویژگی‌ها و تنیدگی با شعارهای ضد رژیم از حرکات اعتراضی قبلی متمایز می‌گردد. ثانیاً رژیم ضد مردمی در برابر گسترش حرکات ضد جنگ و خصلت توده‌ای این حرکات بیش از پیش به سرکوب خشن و فریب و نیرنگ متوسل می‌شود. اما آنچه در این عرصه نیز عاید رژیم ضد مردمی خواهد شد هیچ چیز جز شکست و رسوائی نخواهد بود. رژیم در جنگ شکست خورده است. در مقابله با جنبش ضد جنگ و صلح‌طلبانه مردم نیز شکست خواهد خورد. این ضعف و درماندگی رژیم و قدرت اراده توده‌ها را باید در وسیع‌ترین شکل ممکن تبلیغ کنیم.

در رهنمودهای قبلی ارگان " فدائی" تاکید کرده‌ایم که توضیح و افشای شکست رژیم در جبهه‌های جنگ مستقیم‌اب ارتقاء روحیه مبارزاتی توده‌ها و برابری سازماندهی اقدام انقلابی توده‌ای علیه جنگ و علیه رژیم تاثیرات مثبت بجای می‌گذارد. فعالین و هواداران فدائی این تبلیغ را پیوسته به پیش برده‌اند. اکنون در اینجا اضافه می‌کنیم که علاوه بر تبلیغ شکست رژیم در جنگ، باید شکست تاکتیکهای رسوای رژیم علیه تظاهرات ضد جنگ و شکست رژیم را در برابر جنبش اعتراضی توده‌ها، وسیعاً تبلیغ کنیم. تبلیغات و توضیحات ما در این عرصه نیز توانائی جنبش را افزایش می‌دهد. در اینجا باید به ویژگی دیگر مقطع جدید در روند جنگ ایران و عراق اشاره کنیم. این ویژگی گسترش حمله به شهرها و مردم بی‌دفاع شهرها است. از اسفندماه گذشته تاکتیک بمباران شهرها و مردم بی‌دفاع در دستور روز هر دو رژیم قرار گرفته است. اگر در گذشته تاکتیک حمله به شهرها بعنوان يك تاکتیک ایذائی در کنار جنگ جبهه‌ای و عمدتاً از جانب عراق بکار بسته می‌شد اینبار موج گسترده و متقابل بمباران هوایی و حمله موشکی به شهرهای ایران و عراق و بویژه تهران و بغداد هدف اعمال فشار مستقیم را دنبال می‌کند. حمله به شهرها، در انظار مردم نشانه آشکار ضعف و شکست نظامی و سیاسی - اخلاقی هر دو رژیم و بن‌بست جبهه‌ها است. بکارگیری این تاکتیک کشیف، خشم و نفرت بقیه در صفحه ۳

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

کوی ۱۳ آبان بقیه از صفحه ۲
توده‌ها نسبت به جنگ و رژیم را بیش از پیش افزایش داده است. هردو رژیم خود را برای اجرای دوباره این اقدام جنایتکارانه در ابعادی گسترده‌تر آماده می‌کنند. مبارزه توده‌ها علیه جنگ و علیه رژیم نیز اوج تازه‌ای می‌گیرد.

گسترش مبارزه توده‌ها علیه جنگ و علیه رژیم از یکطرف و افشای هرچه بیشتر ماهیت ضد مردمی و جنگ‌طلبانه رژیم بار دیگر و در جریان عمل، صحت خط مشی انقلابی تکیه بر توده‌ها، بسیج و سازماندهی مبارزه توده‌ها علیه جنگ و علیه رژیم جمهوری اسلامی را به اثبات می‌رساند. تبلیغات و اقدامات جنجالی و برخورد‌های قیم‌مابانه نسبت به مبارزه واقعی توده‌ها نظیر آنچه مجاهدین خلق انجام می‌دهند نه تنها کمکی به گسترش واقعی این مبارزه نمی‌کند بلکه انرژی‌ها را به هدر می‌دهد. مبارزه توده‌ای علیه جنگ و علیه رژیم نه در غالب هفته و ماه ویژه می‌گذرد و نه به کمک تکیه‌گاهها و اهرم‌های خارج از توده‌ها جاری می‌گردد. مبارزه توده‌ای علیه جنگ و رژیم از طریق حضور و مبارزه روزمره در میان توده‌ها و سازماندهی مبارزات آنان گسترش می‌یابد. یک حرکت اعتراضی ضد جنگ هرچند کوچک و هرچند درآفتاده و پراکنده اما واجد خصلت توده‌ای، موثرترین زمینه گسترش مبارزه و سازماندهی اقدام انقلابی توده‌ای علیه جنگ و علیه کلیت رژیم است. سازمان ما بخود می‌بالد که اعضاء، فعالین و هواداران خود را در این چند ساله با چنان روحیه‌ای آموزش داده و عین کرده است که در هرآنجا که توده‌های مردم علیه جنگ بانگ اعتراض برداشته‌اند، نقشی فعال، موثر و بارز برعهده داشته‌اند. توده‌های جنوب و غرب جنگزده از دزفول و اهواز تا خرم‌آباد و سنندج از ماهشهر و بهبهان تا کرمانشاه و بانه و از ایذه و رامهرمز تا بیروجرد و ... همجا فدائی خلق را در صفوف خود و پیشاپیش و شانه بشانه خود دیده‌اند.

در تظاهرات توده‌ای کوی ۱۳ آبان نیز فعالین و هواداران فدائی، در میان توده‌ها، همپای آنان و همصدا با زحمتکشان، قریاد اعتراض همه مردم ایران را علیه جنگ و علیه رژیم بگوش مردم ایران و جهان رسانند. امروزه عرصه مبارزه در راه صلح و علیه جنگ همانگونه که ششمین پلنوم کمیته مرکزی سازمان جمع‌بندی کرده است به مهمترین عرصه مبارزه علیه رژیم تبدیل شده است. رژیم جمهوری اسلامی از پیوند این مبارزه با

فعالیت کمونیست‌ها و سایر نیروهای مترقی بشدت دز هراس است. رژیم بیهوده تلاش می‌کند تا هم مبارزه علنی و آشکار توده‌ها علیه جنگ و رژیم را تحریف و کتمان کند و هم فعالیت نیروهای انقلابی در جهت پیوند با مبارزه توده‌ها را بخیال خود بی‌بها کند.

بر پایه همین هراس است که سرمقاله نویسن اطلاعات ۱۱ اردیبهشت در واقع نظر سردمداران رژیم را بیان می‌کند و درباره حرکت ۱۳ آبان چنین می‌نویسد: "ممکن است از گروه‌های سیاسی هم کسی قبل از ماجرا در اثنای آن باخبر شده به تصور اینکه انقلاب شده ... دخالتی کرده و در تصور خودش سیاهکلی ساخته باشد." سرمقاله نویسن اطلاعات همچنین مسئولین و رسانه‌های گروهی رژیم را در مورد چگونگی انعکاس خبر حرکت اعتراضی مردم کوی ۱۳ آبان مورد انتقاد قرار می‌دهد و می‌نویسد که برخورد‌های نسنجیده مسئولان "این برداشت نادرست را در ذهن القاء می‌کند که ماجرا سیاسی بوده و مخالفت علنی و آشکار علیه جنگ و علیه نظام اسلامی بوده و کار مخالفت به چنین جاهائی کشیده ...". در برابر این تلاش‌های سران رژیم برای کتمان مبارزه توده‌ها و نیروهای انقلابی باید گفت که علیرغم تشدید سرکوب و نیرنگ‌بازی رژیم، اولاً مبارزه واقعی توده‌ها، مخالفت علنی و آشکار، توده‌ها علیه جنگ و علیه نظام اسلامی در پهنه میهن بی‌وقفه رو به گسترش است و شانیا فدائیان خلق که از سیاهکل خونین تا امروز در راه سعادت توده‌ها و علیه فقر و تباهی و دیکتاتوری مبارزه کرده‌اند دز زاه سازماندهی اقدام انقلابی توده‌ای و به پیروزی رساندن انقلاب جدیدی که در راه است در میان توده‌ها فعالیت انقلابی خود را گسترش خواهند داد.

رژیم نیز برای سرپوش گذاشتن بر شکست خود در جبهه‌ها و برای نجات از بن‌بستی که دز آن گرفتار آمده آمادگی آن را دارد که بازهم دهها هزار تن از جوانان را در جبهه‌ها کشت دم توپ کند. هم رژیم ضدزمدی جمهوری اسلامی و هم رژیم دیکتاتوری عراق هردو آمادگی آن را دارند که بار دیگر شهرها و مردم بیدفاع را زیر آتش توپ و موشک قرار دهند. طبیعی است که این رژیم‌ها به جنایات خود ادامه دهند و بدیهی است که مبارزه توده‌ها و اعتراضات آنان علیه جنگ و علیه رژیم گسترش می‌یابد. دز این شرایط گسترش و تشدید بی‌وقفه فعالیت تبلیغی، آگاه‌گرانه و سازمان‌گرانه نیروهای انقلابی در میان توده‌ها بیش از پیش اهمیت دارد. امروزه شرکت

مستقیم و علنی دز بسیج و سازماندهی مبارزات توده‌ها، پخش اعلامیه و تراکت، بردن شعارهای مردمی و توده‌ای و اثبات علنی پیگیری انقلابی و کمونیستی دز مبارزه علیه جنگ، آنچنان نقشی در گسترش پیوند جنبش کمونیستی با توده‌های مردم ایفاء می‌کند، که می‌بایست در مرکز توجه فعالیت روزمره و علنی فعالین جنبش قرار گیرد. هراندازه که بر میزان فعالیت انقلابی و سازمان‌گرانه در این عرصه افزوده شود، پیوند با توده‌ها و طبقه کارگر گسترده‌تر و عمیق‌تر خواهد شد.

رشد و گسترش جنبش توده‌ای ضدجنگ و ضد رژیم بر روند رو به گسترش مبارزات طبقه کارگر تأثیرات مثبت بسیار مهمی بر جای می‌گذارد.

همانگونه که جنبش طبقه کارگر از درون کارخانه‌ها به سطح جنبش توده‌ها منتقل می‌شود و آن را زیر تأثیر خود می‌گیرد انعکاس جنبش توده‌ای ضدجنگ و ضد رژیم نیز بنوبه خود در خدمت تسهیل شرایط مبارزه کارگران قرار می‌گیرد و بر توان و ظرفیت آن می‌افزاید. کارگران و بویژه کارگران مبارز و پیشرو باید هم فعالانه در حرکات توده‌ای ضد جنگ و هدایت و سازماندهی آن شرکت کنند و هم از شرایط مناسب‌تری که در نتیجه ضعف و درماندگی رژیم در مقابله با جنبش توده‌ای پدید می‌آید برای پیشبرد مبارزات خود در محیط کارخانه استفاده کنند. امروزه از طریق حضور و شرکت فعال و درنگ‌ناپذیر در مبارزات توده‌های مردم شهرها می‌توان و باید پیوند جنبش کمونیستی و انقلابی با توده‌ها و طبقه کارگر را هرچه بیشتر تقویت کرد. می‌توان و باید از طویق شرکت دز سازماندهی اقدام انقلابی توده‌ای در شهرها و در محلات خلقی و کارگرنشین در سطحی گسترده شعارها و برنامه‌های سازمان را بمیان توده‌ها و کارگران برد و در راستای تحقق موفقیت‌آمیزتر شعار "سمتگیری توده‌ای - کارگری" سازمان به پیش رفت. تجربه فعالین و هواداران سازمان در جنوب و غرب میهن و حضور مداوم آنان در عرصه حرکات و اعتراضات توده‌ای علیه جنگ و علیه رژیم بخوبی ثابت می‌کند که این حضور نقش بسیار موثری در پیوند با توده‌ها و طبقه کارگر ایفاء می‌کند. هم از اینروست که می‌بایست در جهت گسترش دم افزون حضور در این مهمترین عرصه مبارزه توده‌ای-همه توان و ظرفیت انقلابی خود را بکار گیریم. تکرار ۱۳ آبان در گسترده‌ای عظیم‌تر در راه است. مهیا باشیم!

هم میهن بیا خیز علیه جنگ و کشتار

هم میهنان مبارز

با مبارزه متحدانه و پیگیرمان علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به جنگ و کشتار پایان دهیم.

سازمان فدائیان خلق ایران

این است شعار توده‌های مردمی که علیه جنگ و برای صلح به مبارزه برخاسته‌اند:

« ما طالب صلح هستیم »

« ما جنگ نمی‌خواهیم »

سازمان فدائیان خلق ایران

سرفگون باد رژیم جمهوری اسلامی

تلاش لیبرالها برای

بقیه از صفحه ۱

اما مردم ایران بنا به تجربه روزمره خود بی‌پایگی چنین دلیلی را، که هیچ هدفی جز توجیه تبهکاریها و جنایات رژیم در عرصه‌های مختلف ندارد، دریافته‌اند کارگران و مردم در جریان کار و زندگی روزمره خود دریافته‌اند نه "بی‌اطلاعی" و "خودکامگی برخی مسئولین"، بلکه ماهیت طبقاتی رژیم و سیاستهای آن است که عملکرد ضدکارگری و ضدخلقی آن را بوجود می‌آورد. هر رژیمی که بازسازی سرمایه‌داری وابسته را هدف خود قرار دهد، خدمتگزاری اقلیتی از جامعه یعنی صاحبان سرمایه‌های بزرگ و شرکتها و دولت‌های امپریالیستی را پذیرفته است و لذا دشمن آشتی‌ناپذیر اکثریت جامعه، یعنی کارگران و توده‌های زحمتکش است. لیبرالهای نهضت آزادی پس از این دعوت از مردم، به رژیم نیز گوشزد می‌کنند که "حاکمیت نیز حق ندارد اعتراض مردم و تلاش آنها برای اصلاح و تغییر حاکمیت را بر پایه قانون اساسی مترادف با مخالفت با نظام جمهوری اسلامی بشمارد." در این توصیه لیبرالها بقول معروف در میان دعوا نرخ تعیین کرده‌اند. اعتراض مردم، برخلاف تلاش لیبرالها بخاطر اصلاح و تغییر حاکمیت بر پایه قانون اساسی، بخاطر "اصلاح رژیم" از طریق تعویض چند عنصر "بی‌اطلاع" و "خودکامه" با چند نفر عنصر "با اطلاع" و "لیبرال" نیست، بلکه دقیقاً بخاطر مخالفت با نظام جمهوری اسلامی و مجموعه سیاست‌های ارتجاعی آن است. آیا لیبرالها این مسئله را نمی‌فهمند و از روی اشتباه چنین حرفی می‌زنند؟ هر کسی که اندکی با سابقه فعالیت لیبرالها آشنا باشد براحتی درمی‌یابد که لیبرالها هشیارتر از آنند که مسئله به این روشنی را نفهمند. سخن لیبرالها علت دیگری دارد. لیبرالها از این طریق می‌خواهند از طرفی به سردمداران رژیم بفرمانند که در دفاع از اساس نظام ستم و استثمار همراه و پشتیبان رژیم هستند و از طرف دیگر بطور غیر مستقیم خط سازشکارانه و گدامنشانه خود مبنی بر "اصلاح و تغییر بر پایه قانون اساسی" را بعنوان خط مورد نظر و مطلوب توده‌های معترضی جا بزنند. لیبرالها بدین ترتیب ضمن این هدف رانیز دنبال می‌کنند که به رژیم نشان دهند استعداد آن را دارند که همه تلاش خود را برای منحرف کردن مبارزه کارگران و توده‌ها و برای جلوگیری از قاطع‌تر شدن آن بکار گیرند و بعنوان "سوپاپ اطمینان" رژیم عمل نمایند. بطور خلاصه، لیبرالها می‌کوشند به رژیم بیاورند از این طریق می‌تواند هم بر "بن‌بست" خود فائق آید، هم از "پی‌آمدهای خطرناک" بحران عظیم کنونی بپرهیزد و هم از کشیده شدن جریان امور به "راه‌های انحرافی" جلوگیری کند. در حالیکه در غیر اینصورت انقلابی دیگر (یا بقول لیبرالها "پی‌آمدهای خطرناک" بحران) و مبارزه انقلابی توده‌ای (که لیبرالها آن را راهی انحرافی می‌دانند) حتمی و ناگزیر خواهد بود.

بر کسی پوشیده نیست که این خط لیبرالها چیز تازه‌ای نیست. این خط سنتی و همیشگی آنهاست. تمام تاریخ انقلاب بهمین، چه در دوره قبل از سرنگونی نظام سلطنتی در بهمن ماه ۵۷ و چه پس از آن نشان می‌دهد که چگونه لیبرالها

پیگیرانه این خط را دنبال کرده‌اند. در سالهای ۵۶ و ۵۷ در شرایطی که جنبش انقلابی توده‌های مردم کل نظام سلطنتی و نابودی کامل آنرا هدف خود قرار داده بود، لیبرالها همه تلاش خود را بکار بردند تا این جنبش را تا حد منافع خود غرضانه و محدود خویش، تا حد اجرای قانون اساسی و شعار "شاه باید سلطنت کند و نه حکومت" تنزل دهند آنها تنها هنگامی که مطمئن شدند که هیچ راهی جز رفتن شاه نیست، برای اینکه امکان تاثیرگذاری بر جنبش رو به اوج را از دست ندهند، به این امر تن دادند و بعد از آن نیز کوشیدند دستگاههای فساد و سرکوب رژیم دست نخورده باقی بماند و انتقال ناگزیر قدرت "بطور آرام" صورت پذیرد. پس از آن، زمانی که قیام توده‌ها در بهمن ماه "ترتیبات اتخاذ شده" توسط لیبرالها، روحانیت غالب بر جنبش و آمریکا را در هم ریخت، همین لیبرالها و در رأس آنها مهدی بازرگان در مقام وزیران و نخست‌وزیر کابینه اول جمهوری اسلامی، به هر اقدامی توسل جستند تا جریان امور هر چه زودتر به "وضع عادی" برگردد و "نظم" مطلوب سرمایه‌داران هر چه سریعتر برقرار گردد. همین آقایان لیبرال، که اینک پس از شکست انقلاب و در شرایط گسترش مجدد مبارزه کارگران و توده‌ها به یاد "استواردهای انقلاب" و "تحقق هم‌جانیه آرمانهای آن" افتاده‌اند، در سالهای اول پس از انقلاب بارها گفتند که "ما باران می‌خواستیم، سیل آمد." آنها حتی پا را از این نیز فراتر گذاشتند و با اشاره به دنباله‌روی فرستادگان طلبانه‌شان از جنبش مردم که بخاطر "باران" یعنی خرده ریزه‌هایی از سفره‌های دربار انجام داده بودند، اظهار داشتند که "سه سه بار، نه بار غلط" کرده‌اند. همین لیبرالها انتظار و خواست‌های کارگران و توده‌ها را بعنوان "زیادخواهی" تقبیح و محکوم کردند و به اشکال گوناگون در برابر آنها ایستادند. سیاست ضدکارگری تثبیت‌نم‌ستیزدها، ابتکارهای ارتجاعی همین‌ها بود. لیبرالها که اکنون عوامفریبانه از "استقلال کشور" دم می‌زنند، در آن زمان هر حیل و تلاشی را بکار بستند تا به سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌های بزرگ داخلی که از حاصل دسترنج زحمتکشان انباشته شده بود، آسیبی وارد نیاید. آنها که اکنون از "آزادی مردم" دم می‌زنند و شرکت خود در کابینه رژیم را بعنوان دواي همه دردها و راحل همه مسائل معرفی می‌کنند، در شرایطی که اکثر قریب به اتفاق پست‌های کابینه رژیم را در دست داشتند، به هر وسیله‌ای متوسل شدند تا از ابتکار مستقل کارگران و توده‌ها، از شرکت مستقل آنها در اداره امور دولتی و اجتماعی و آزادی فعالیت نیروهای انقلابی مانعت بعمل آورند.

و بالاخره لیبرالهای نهضت آزادی، انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در سال ۶۲، یعنی انتخابات فرمایشی و ضددموکراتیکی را که در آن فقط کماشنگان رژیم می‌توانستند شرکت کنند و به اصطلاح "انتخاب" شوند، "انتخابات نیمه آزاد" نامیدند و در توصیف آن گفتند که در راه آزادی مردم "مقامات جمهوری اسلامی تا نصفه راه جلو آمدند و یک انتخابات نیمه آزاد" صورت

دادند. چرا "تا نصفه راه" و چرا "انتخابات نیمه آزاد"؟ پاسخ لیبرالها چنین است: "از این جهت که انتخاب‌کنندگان تنها در انتخاب میان نامزدهای موافق حاکمیت آزاد بودند!" (اعلامیه نهضت آزادی تحت عنوان "چه باید کرد؟") یعنی اگر رژیمی ارتجاعی در یک نمایش "آزادی" به انتخاب‌کنندگان اجازه داد از میان افراد مورد اعتماد خود عده‌ای را برای تصمیم‌گیری و پیشبرد امور "انتخاب" کنند، تا "نصفه راه" آزادی جلو آمده و "یک انتخابات نیمه آزاد" اجرا کرده است. این "آزادی" درست مانند آزادی بردگان در انتخاب اربابان و حاکمان خود است که اصل بردگی و اسارت را دست نخورده باقی می‌گذارد. اما "نیمه دوم آزادی" چیست؟ تعبیر لیبرالها از این "نیمه دوم" حتی از پاسخ به سوال اول نیز شگفت‌انگیزتر است. به نظر لیبرال این نیمه دوم وقتی تحقق می‌یابد و آزادی هنگامی کامل می‌شود که لیبرالها نیز در این "نمایش آزادی" شرکت داده شوند. معنای این حرف این است که از نظر لیبرالها "آزادی مردم" وقتی بطور کامل تأمین می‌شود که لیبرالها نیز مانند کماشنگان رژیم در "انتخابات" شرکت کنند و به چند کرسی در مجلس و یا پست ریاست جمهوری و از این طریق به چند پست وزارت دست یابند. سر و ته همه پیشنهادات و توصیه‌های دور و دراز لیبرالها درباره "راحتل" بحران جامعه و جوهر پاسخ آنها به سوال "چه باید کرد؟" در همین خلاصه می‌شود. آنها می‌گویند "خوشبختانه انتخاب دیگری (یعنی انتخاب ریاست جمهوری) در پیش است." و از حاکمیت می‌خواهند با اجازه فعالیت انتخاباتی به آنها هم خود را از "بن‌بست" خارج کند و هم از کشیده شدن اوضاع به "راه‌های انحرافی" جلوگیری کنند.

مقامات جمهوری اسلامی از ارزش خدمات مدافعین لیبرال خود و اتفاق نظرشان درباره دفاع از اساس نظام جمهوری اسلامی آگاهند و به این دلیل، در جریان بازسازی سرمایه‌داری وابسته یعنی نظام ستم و استثمار بر زحمتکشان و نظام تأمین‌کننده منافع صاحبان سرمایه و امپریالیست‌ها، بنوبه خود هم منافع لیبرالها را در نظر دارند و هم به اشکال مختلف می‌خواهند آنها را از موضع "پوزسیون" و "مخالفت‌خوانی" بیرون آورند و هر چه بیشتر در درون نظام خود جذب نمایند. اما با اینهمه هنوز خدمتگزاری و چاکرمنشی لیبرالها را کافی نمی‌دانند و به آسانی حاضر به تقسیم "مادانه‌تر" زر و زور با آنها نیستند. رژیم "تعهدات" بیشتری از آنها می‌خواهد و لیبرالها نیز مطابق سنت همیشگی خود که میزان مقاومت‌شان با زور و چماق حاکمیت تغییر می‌کند خاضعانه‌تر و افتاده‌تر برخورد می‌کنند. آنها این بار از موضعی پائین‌تر، از موضع طرفداری از "آبروی جمهوری اسلامی"، بر وفاداری خود به نظام پا می‌فشارند و در همین حال اظهار نگرانی می‌کنند که چرا سردمداران رژیم سر "عقل" نمی‌آیند، چرا منطق حکومت سرمایه‌داری و حفظ منافع سرمایه در برابر کارگران و توده‌ها را بدرستی نمی‌فهمند

اخبار مبارزات مردم علیه جنگ ویرانگر

✽ روز چهارشنبه بیست و یکم فروردین ماه، ساعت ۱۱ صبح، در محله ۱۳ آبان میان گشت کمیته و جوانی که پدر و مادرش را در بمباران‌های هوایی از دست داده بود، درگیری لفظی و سپس زدوخورد رخ داد. جوان مزبور به جنگ اعتراض می‌کرد و به خمینی و رژیم فحش و ناسزا می‌گفت. کم‌کم مردم به حمایت از جوان جمع شدند و به پاسداران کمیته اعتراض کردند. در مقابل اعتراض دستجمعی مردم پاسداران ضد خلقی مردم را تهدید به تیراندازی کردند و برای ترساندن مردم شروع به تیراندازی هوایی کردند. دامنه اعتراض و درگیری گسترش یافت. مردم چهار پاسدار کمیته را به شدت کتک زدند و آنها را مجبور به فرار کردند. آنها در حین فرار بیشرمانه و دیوانه‌وار تیراندازی کردند که یک نفر کشته و عده‌ای زخمی شدند. مردم خشمگین محله ۱۳ آبان از این اقدام جنایتکارانه ماموران گشت کمیته به شدت برانگیخته شدند و در حالیکه لحظه به لحظه بر تعداد جمعیت نیز افزوده می‌شد شروع به تظاهرات گسترده کرده و علیه جنگ و علیه رژیم شعار دادند. حدود ساعت ۱۴ تعداد تظاهرکنندگان به بیش از ۳۰۰۰ نفر رسید. شعارهای "مرک بر خمینی"، "مرک بر پاسدار"، "ما جنگ نمی‌خواهیم" و "مردم ما صلحو می‌خوان" در خیابانهای محله طنین‌انداز شد. در این هنگام رژیم که از حرکت قهرمانانه مردم به شدت وحشتزده شده بود، قوای کمکی از نیروهای سرکوبگر خود شامل سپاه، کمیته و شهرزانی را در منطقه بسیج کرد و به محله حمله کرد. مردم هم دست به مقاومت قهرمانانه در برابر مزدوران رژیم زدند و تا ساعت ۸ شب همانروز با دادن شعار علیه جنگ و بر ضد رژیم اقدام به راه‌بندان و تظاهرات در خیابانهای محله کردند. در اثر تیراندازی و درگیری عده دیگری از مردم زخمی شدند. تعداد مجروحان بسیار بالا است. مزدوران سپاه و کمیته از همان لحظات حمله جنون‌آسا به محله شروع به دستگیری و بازداشت تعداد زیادی از مردم و جوانان محله کردند. مزدوران در بعدازظهر و بخصوص شب تعداد بیشتری را دستگیر کردند. مجموع دستگیرشدگان که چند تن از فعالین و هواداران سازمان نیز به همراه آنان دستگیر شده‌اند به بیش از ۵۰۰ نفر رسید. رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی تلاش کرد که اخبار این تظاهرات و گلوله‌باران و کشتار مردم را تحریف و سانسور نماید. پس از این تظاهرات دوزدوزانی مزدور نماینده مجلس رژیم، که قبلاً مدتی در این محله سکونت داشته، به مسجد محله آمد و ضمن فحاشی و توهین به مردم، تظاهرات را "سازماندهی شده از طرف گروه‌های سیاسی معرفی کرد. او گفت: "کمونیستها از مدت‌ها قبل در این محله فعالیت داشته‌اند." لازم به یادآوری است که اکثریت ساکنان کوی ۱۳ آبان را که بین نازی‌آباد و شهرری کنار جاده آرامگاه سابق (خیابان یادآوران) قرار دارد کارگران کارخانجات تهران و از جمله کارخانه‌های مینو، ایران ناسیونال، پالایشگاه تهران، کاشی سعدی، کانادادرای و چیت‌سازی تشکیل می‌دهند و در تظاهرات اخیر اغلب اهالی و مخصوصاً جوانان محل شرکت کردند و با دادن شعار مرک بر خمینی

و پاره کردن عکس‌های وی نفرت و انزجار خود و همه کارگران و زحمتکشان میهن را از رژیم حاکم و جنگ‌افروزی‌های آن با صدای بلند اعلام داشتند. سالک قائم مقام کمیته‌های انقلاب اسلامی و ری شهری وزیر اطلاعات رژیم پس از اجبار به انعکاس خبر اعتراض کارگران و زحمتکشان کوی ۱۳ آبان به حضور فدائیان خلق در حرکت اعتراضی مردم علیه جنگ اشاره کردند.

بدنبال تظاهرات گسترده ۲۱ فروردین، رژیم علاوه بر دستگیری مردم و جوانان محل با تمام قوا سعی کرد که از انعکاس خبر تظاهرات هم جلوگیری کند. اما خبر این حرکت قهرمانانه به سرعت در سطح تهران منتشر شد و خود آغازگر موج تازه‌ای از اعتراضات آشکار و پیاپی مردم تهران شد و حرکات اعتراض‌آمیز دیگری در روزهای بعد در سایر محلات تهران صورت گرفت و یکبار دیگر دروغ‌پردازی‌ها و وحشت و هراس رژیم ضد مردمی را به نمایش گذاشت.

روز پنجشنبه ۲۲ فروردین، در خیابان مصدق حد فاصل بین فروشگاه قدس تا میدان ولیعصر، تظاهرات بوقوع پیوست. در این تظاهرات که حدود ۱۰۰۰ نفر در آن شرکت داشتند، عکس‌های خمینی را پاره کردند و علیه رژیم و جنگ شعار دادند. رژیم برای مقابله با تظاهرکنندگان، این بار پلیس خود را به میدان آورد تا شاید از خشم و نفرت روزافزون مردم نسبت به پاسداران و ماموران کمیته‌ها بکاهد. اما تظاهرات ادامه یافت و پلیس نیز کاری از پیش نبرد. در روزهای بعد نیز در مناطق مختلف تهران، از جمله محله‌های خانه، قلعه مرغی، دولت‌آباد، نازی‌آباد در جنوب شهر و میدان امام حسین، تظاهراتی انجام گرفت و طی آن عده دیگری نیز دستگیر شدند. روزهای ۲۰ و ۲۱ فروردین نیز چند نقطه شهر و از جمله میدان توپخانه شاهد تظاهرات اعتراض‌آمیز مردم علیه جنگ و برای صلح بود. در اغلب این موارد، شعار مرک بر خمینی و یا پاره کردن عکس‌های وی شنیده و دیده شده است.

✽ "ما طالب صلح هستیم، ما جنگ نمی‌خواهیم"

در برورد، پس از بمباران شهر در ۲۰ اسفندماه گذشته، مردم در محل بمباران شده اجتماع کردند و ابتدا اعتراض خود را با زمزمه و فحش به رژیم و جنگ، نشان دادند. و سپس بطور دستجمعی شروع به شعار دادن و راهپیمایی کردند. مردم شعار می‌دادند: "ما طالب صلح هستیم، ما جنگ نمی‌خواهیم" و "مرک بر جنگ طلب" در این هنگام پاسداران رژیم جلوی راهپیمایان را سد کرده و مبادرت به تیراندازی هوایی کردند. اما مردم ایستادگی کردند و هم چنان شعارهای خود را در حمایت از صلح و بر ضد جنگ تکرار کردند. پس از مدتی، با توجه به اینکه مزدوران رژیم قصد تیراندازی و خونریزی داشتند، مردم تظاهرات را پایان داده و بتدریج متفرق شدند. گذشته از این در مراسم کشته‌شدگان نیز، تظاهراتی علیه جنگ و رژیم انجام گرفت و در جریان آن بیش از ۵۰ نفر از مردم دستگیر شدند. در مجالس یادبود چند نفر از کشته‌شدگان نیز، شعار مرک بر خمینی

داده شد. بی‌اعتنایی مردم به سخنرانی فخرالدین حجازی معرکه‌گیر رژیم، که همراه با گروهی از مسئولان و پاسداران حکومتی در کورستان شهر جمع شده بودند، این مزدوران را به عجز و لایه واداشت.

همزمان با بمباران نقاط مسکونی در برورد، موشکی نیز به نزدیکی بانک ملی اصابت کرد. مردم در شهر ازحام کردند و تعداد زیادی در اطراف بانک ملی حلقه زدند. آنها می‌خواستند شب عیدی از بانک پول بگیرند. اما کارکنان بانک نیز از آنجا بیرون رفته بودند و فقط سرایدار بانک باقی مانده بود که در جواب مردم می‌گفت: کسی نیست. سپاه ۱۱ نفر از کارکنان بانک را دستگیر کرد که تا ۲۶ اسفند نیز در بازداشت بودند و تنها ۲ روز با اسکورت پاسداران سر کار آورده شدند و پس از کار به بازداشتگاه بازگردانده شدند.

✽ در خرم‌آباد نیز پس از بمباران شهر و هنگام تشییع جنازه‌ها، تظاهرات مشابهی صورت گرفت. در این شهر مسئولان حکومتی حتی جرات حضور در مراسم تشییع کشته‌شدگان را هم نداشتند و فقط پس از پایان مراسم و تظاهرات مردم، حدود ۱۰۰۰ نفر از چماقداران رژیم را جمع کرده و شعار جنگ‌طلبی دادند که با بی‌اعتنایی مردم مواجه شد.

با توجه به بمباران‌های هوایی و خطر کشته شدن زندانیان، خانواده‌های زندانیان در خرم‌آباد شدیداً نسبت به عدم آزادی فرزندان و بستگان خود اعتراض کردند و جلوی زندان اجتماع کردند و به مسئولان حکومتی گفتند که حاضرند پس از قطع بمباران‌ها، آنها را به زندان بازگردانند. اما مسئولان رژیم با این خواست خانواده‌ها مخالفت کردند.

✽ اعتراض مردم رامهرمز علیه جنگ

در تاریخ ۱۹ اسفند در شهر رامهرمز، که برای اولین بار مورد حمله هوایی قرار گرفت، گروه زیادی از مردم شهر و حتی روستاهای اطراف برای کمک و کسب خبر در محل اصابت راکت گرد آمدند. پس از مشاهده صحنه کشتار و ویرانی، آرام آرام شروع به صحبت با همدیگر علیه جنگ و فحش دادن به رژیم نمودند. در این هنگام، یکی از پاسداران رژیم وقتی از یک نفر بغل دستی‌اش شنید که علیه جنگ و رژیم جنگ‌طلب فحاشی می‌کند، با سیلی به او حمله‌ور شد، اما مردم به هواداری از شخص سیلی خورده برخاسته و پاسدار مزبور را زیر مشت و لگد گرفتند و تا می‌خورد زدند. بقیه پاسداران نخالت کردند و همکار خود را از دست مردم فراری دادند. آنها مردم را به حفظ آرامش دعوت کردند و از آنان خواستند که جهت تظاهرات (بنفخ جنگ!) آماده شوند و شعارهایی از قبیل "جنگ جنگ تا پیروزی" بدهند. در این موقع هلی‌کوپتری در آسمان ظاهر شد و شروع به فیلمبرداری کرد، مردم شروع به پرتاب سنگ و کلوخ به هلی‌کوپتر کردند و هرچه فحش و ناسزا بود نثار فیلمبرداران و پاسداران کردند. اینان نیز با مشاهده این وضعیت، بساط خود را جمع کرده و صحنه را ترک بقیه در صفحه ۸

اخبار مبارزات مردم

بقیه از صفحه ۵

نمودند. بدنبال این وقایع اعلامیه کمیته خسرو گلسخی (کمیته پایه سازمان درخوزستان) علیه جنک در شهر پخش گردید. بعد از پخش اعلامیه، مزدوران رژیم ۴۰ نفر از فعالین حرکت اعتراضی مردم را به جرم تبلیغ و فعالیت علیه جنک و پخش اعلامیه دستگیر کردند.

همراه با ادامه جنک و تزیید فشارهای ناشی از آن و همزمان با تشدید بمباران‌های هوایی و کشتار گروه وسیعی از مردم، در بسیاری از شهرهای جنوب و غرب کشور نیز حالت اضطراری بوجود آمده و عده زیادی از ساکنان، شهرهای خود را به مقصد شهرهای شمال و شرق کشور ترك کرده و می‌کنند.

در باختران، پس از بمباران‌های مداوم روزهای ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷ اسفند محلات مختلف و روستاهای اطراف شهر، وحشت و اضطراب در شهر حاکم شده و گروه زیادی از ساکنان که امکاناتی داشتند، با جمع کردن مقداری از اسباب و اثاثیه خود، به هر وسیله ممکن (وانت، ماشین سواری، کامیون و اتوبوس) شهر را ترك کردند. در این شهر حتی برخی از ادارات دولتی نیز به خارج از شهر و به زیر چادر منتقل شدند. پس از هر بمباران و یا اصابت موشک، گروهی از عوامل رژیم که کاملاً مشخص بوده که به این منظور بسیج شده‌اند با بلندگو ظاهر شده و شعارهای "جنک، جنک تا پیروزی" و "موشک، جواب موشک" دادند که با بی‌اعتنایی مردمی که دسته دسته از شهر خارج می‌شدند، روبرو گردید.

پس از بمباران‌های هوایی و پرتاب موشک در شهرهای بانه، سوسنگرد و دزفول نیز اعتراضات و درگیری‌هایی صورت گرفت. در پاره‌ای از موارد، اعتراضات مردم به زدن خورد با ماموران رژیم انجامیده و منجر به زخمی شدن و دستگیری تعدادی از مردم شده. در رابطه با اعتراضات مردم به تداوم جنک و کشتار، اعلامیه کمیته خسرو گلسخی (کمیته پایه سازمان در خوزستان) تحت عنوان "ما جنک نمی‌خواهیم، نابود باد جنک" به تعداد ۲۵۰ نسخه در اهواز و ماهشهر پخش شد.

در تبریز، پس از بمباران‌های اولیه شهر در نیمه دوم اسفند، تظاهراتی انجام گرفت که يك نفر از تظاهرکنندگان با بلندگو شعارهای "مرك بر خمینی" و "مرك بر جنک" می‌داد.

روز چهارشنبه ۲۱ فروردین ماه در شهر مشهد تظاهرات بوقوع پیوست. در شهر انزلی نیز حرکت اعتراضی مردم گزارش شده است.

کارگری

کارفرمای ژاپنی دز توانیر طوس مشهد، که بخشهای مکانیک و ساختمان نیروگاه طوس را در دست دارد، در ژانویه امسال به کارگران اعلام کرده بود که به جبران دو روزی که در وسط هفته مصادف با تعطیلی ژانویه است، بایستی روزهای پنجشنبه و جمعه را کار کنند. اکثریت کارگران بخش مکانیک (تقریب ۷۰ درصد آنان) با این موضوع مخالفت کرده و در مقابل تهدید و تطمیع کارفرما،

دست به اعتصاب چند روزه می‌زنند و از آن پشتیبانی بخشی از کارگران قسمت ساختمانی نیزگاه برخوردار می‌شوند. بیش از دوسوم کارگران که حدود ۷۰۰ نفر می‌شدند دز مقابل کارفرما می‌ایستند و ضمن اعتصاب، چهار نفر را بعنوان نماینده انتخاب و اعلام می‌نمایند که حقوق تعطیلی ژانویه بایستی بطور کامل پرداخت شود و روزهای پنجشنبه و جمعه هم طبق معمول، به دلخواه کارگران اضافه‌کاری برقرار باشد. توطئه کارفرمای ژاپنی که از حمایت انجمن اسلامی هم برخوردار بود، در برابر اتحاد یکپارچه کارگران خنثی می‌شود و با اعلام نظر اداره کار مشهد که ظاهراً از خواستهای کارگران پشتیبانی می‌کند، کارفرما ناچار به عقب‌نشینی شده و اعتصاب در اولین مرحله خود با پیروزی کارگران پایان می‌یابد. بعد از يك هفته، کارفرما چهار نفر نماینده انتخابی کارگران را اخراج و مجدداً حقوق روزهای تعطیلی ژانویه را کسر می‌کند. این مسئله موجب اعتصاب اکثریت جوشکاران بخش مکانیک می‌شود و جوشکاران اعلام می‌کنند که ۱- نماینده‌های اخراجی به کار عودت داده شوند، ۲- حقوق ایام اعتصاب و تعطیلی ژانویه پرداخت گردد. بخاطر اهمیت کار جوشکاران که در صورت اعتصاب آنان بخشهای دیگر کارگاه نیز از اعتصاب باز می‌ماندند، کارفرما ناگزیر به عقب‌نشینی می‌شود و با پرداخت حقوق معوقه موافقت می‌کند. اما اعاده به کار اخراجی‌ها را موکول به نظر "شورای حل اختلاف" اداره کار می‌کند. زیر فشار کارگران اداره کار نظر به بازگشت به کار نمایندگان اخراجی داده و اعلام کرده که در صورت اخراج، کارفرما باید معادل يك سال حقوق به آنها خسارت پرداخت نماید. کارفرما وقعی به این اعلامیه اداره کار ننهاده است. همچنین گزارش شده است که کارگران قراردادی سابق نیروگاه طوس مشهد نیز به خاطر عیدی و پاداش، اعتصاب کوتاه مدتی انجام داده‌اند که از پیامدهای آن هنوز اطلاع دقیقی بدست نیامده است.

به علت کم‌آبی در روستاهای حوالی اصفهان شعار زیر دهان به دهان نقل شده و یا بعضاً بر روی دیوارها مشاهده گردیده است "آب به این فراوانی، تازه شده تعاونی. مهدی بیا، مهدی بیا"

بین امام جمعه کاشمر از یکسو و نماینده فعلی مجلس و فرمانده قبلی سپاه کاشمر از سوی دیگر، اختلاف آنچنان اوج می‌گیرد که منجر به زد و خورد میان طرفداران آن دو و قهر کردن امام جمعه در اسفند ماه می‌شود. در اثنای زد و خورد و فریادهای زنده باد و مرده باد طرفین دعوا، مردم ساده‌دل و عمدتاً روستائیبانی که برای خرید مایحتاج به شهر آمده بودند خیال می‌کنند رژیم عوض شده و شعار "مرك بر خمینی" را سر می‌دهند. کنترل شهر از دست نیروهای انتظامی خارج شده و از مشهد كمك می‌خواهند. با ابلاغ کتبی دادستانی انقلاب مشهد، شهربانی و ژاندارمری کنترل شهر را بدست گرفته و حالتی شبیه حکومت نظامی در شهر برقرار می‌شود.

بدنبال بررسی‌های هیات سه‌نفره که از مرکز به بنیاد مستضعفان شهر کتید آمده بود بخشی از املاک و کارخانه‌های مصادره شده دز اختیار بنیاد بود به سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ این منطقه، از جمله خانواده‌های محمدی،

شیرمحمدی، تورانی و آخوندزاده، باز گردانده شده است.

زندان دستگرد اصفهان تا ۵ برابر ظرفیت کنونی‌اش گسترش یافته است و مرکز معلولین و سالخوردهگان در جاده اصفهان - شیراز، به بازداشتگاه و شکنجه‌گاه زندانیان سیاسی تبدیل شده است.

گزارشی کوتاه از کارخانه ماشین‌سازی

توالتها و آسانسورها پوشیده از شعارهای ضدحکومتی

تبریز: در کارخانه ماشین‌سازی با آمدن هیئتی از تهران به ریاست شخصی بنام نگهدار بخش حفاظت کارخانه (ساواک سابق) بسیار فعال شده و فشار بر کارگران به شدت افزایش یافته است. در این کارخانه به کارگران فرمی داده شده است که در آن با هدف شناسایی کارگران مبارز سوابقی طرح شده است. از جمله این سوالات محل کار قبلی، علت ترك محل کار قبلی، محل سکونت فعلی، محل سکونت قبلی و علت ترك آن و... می‌باشد. این هیئت تعدادی از کارگران را بدلیل وجود شعارهای ضد جمهوری اسلامی و ضد خمینی در تمامی توالتها و آسانسورها مورد بازجویی قرار داده است و تمام دز و دیوارها را نیز رنگ کرده است. ولی باز هم شعارهایی علیه سرمایه‌داران و حکومت بر در و دیوارها نوشته شده است. اخیراً کارگری به جرم فحاشی به رژیم و خمینی در محوطه کارخانه ۳۰ ضربه شلاق خورد و اخراج شد. دولت این اواخر تعدادی دستگاههای تمام اتوماتیک مدرن از آلمان خریداری کرده است. مدیریت چند صد نفر از کارگران را به بهانه مازاد بودن به ترانکتورسازی فرستاد که آن کارخانه نیز قادر به جذب کارگران نشده و دوباره به ماشین‌سازی بازگشتند. و این درحالیست که اخیراً تعدادی از افراد سپاه پاسداران برای کارآموزی به این کارخانه آمده‌اند. از طرف بعضی از مزدوران سپاه گفته شده است اگر کارگران اعتصاب کنند ما خود کارخانه را اداره خواهیم کرد.

هدیه انجمن اسلامی

تبریز: در کارخانه موتورن انجمن اسلامی بمنظور تحمیل هر چه بیشتر عقاید ارتجاعی خود و تشدید فشار بر زنان کارگر و کارمند کارخانه در اواخر سال ۶۳ بطور غیرمستقیم به آنان مقنعه هدیه می‌کند. و زنان را نیز مجبور می‌کند که با مقنعه اهداشی به سرکار بیایند.

مزدوران انجمن اسلامی کار را به جایی رسانده‌اند که به کارگری که روسری به سر می‌کرده اخطار کرده‌اند که باید مقنعه سر کند. این کارگر مقنعه اهداشی انجمن اسلامی را بسر نکرده و اجباراً برای خود مقنعه‌ای تهیه کرد که بار دیگر با اخطار انجمن اسلامی، روبرو شد.

هر کس حاضر به پرداخت نیست کتبا بنویسد
در اداره برق آذربایجان شرقی بمناسبت ایام عید به کارکنان بیست تا چهل ساعت بعنوان عید اضافه‌کاری تعلق گرفت. مسئولین اعلام کردند کارکنان می‌بایست ده درصد از اضافه‌کاری دریافتی را به جیبه‌ها بفرستند و طرح می‌کردند هر کس حاضر به پرداخت نیست کتبا بنویسد.



تلاطم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران به دبیر کل سازمان ملل متحد

جناب آقای خاویر پرز دوکوشیار دبیر کل سازمان ملل متحد

آقای دبیرکل

نزدیک به پنج سال از جنگ ویرانگر ایران و عراق می‌گذرد. آتش جنگ خانمانسوزی که بدست رژیم عراق شعله‌ور گردید توسط رژیم جمهوری اسلامی ادامه یافت، تا کنون نزدیک به ۵۰۰۰۰۰ هزار تن از جوانان ایران و عراق را به کام مرگ افکنده و یا زخمی و معلول کرده است. رژیم جمهوری اسلامی برای سرپوش گذاشتن بر شکست خود، باز هم ب تعرض نظامی در جبهه‌ها دست می‌زند و بطوریکه اطلاع دارید در نتیجه حملات هوایی رژیم‌های عراق و ایران به شهرهای دو کشور هزاران تن کشته، زخمی و خانه‌خراب شده‌اند و در آخرین عملیات نظامی موسوم به عملیات بدر ۳۰ هزار تن از جوانان و نوجوانان ایران به قتل رسیده‌اند.

اکنون نیز علیرغم خواست صریح مردم ایران برای صلح که اعتراضات وسیع مردم ایران علیه جنگ دلیل انکارناپذیر آن است و علیرغم تلاش‌های کلیه مجامع بین‌المللی برای دستیابی به صلحی عادلانه، رژیم جمهوری اسلامی همچنان در تدارک برافروختن دوباره شعله جنگ در جبهه‌های جنوب ایران است.

آقای دبیرکل

بدنبال بازدید شما از کشورهای ایران و عراق رژیم جمهوری اسلامی نیروهای جدیدی را برای دست زدن به تعرض نظامی مجدد به خطوط مقدم جنگ گسیل داشته و هر دو طرف در صددند بار دیگر موشک‌باران و بمباران شهرها و روستاهای ایران و عراق را از سر گیرند. آنچه نگرانی ما را دو چندان می‌سازد آن است که این بار هر دو حکومت ایران و عراق خود را برای فرو ریختن

سلاح‌های شیمیایی بر سر ساکنان شهرها و روستاهای دو کشور آماده ساخته‌اند و بیم آن می‌رود که در صورت وقوع این گونه جنایات جنگی خسارات جانی سنگینی ببار آورد.

آقای دبیرکل

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران بنام مردم ایران، بپاس حرمت انسانیت و بمنظور جلوگیری از کشتار بیرحمانه مردم و بپاس رعایت حقوق بشر، از شما می‌خواهد که همه مساعی خود را در راه جلوگیری از وقوع این فجایع و افروخته شدن مجدد آتش جنگ بکار گیرید.

با احترام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴

تلاش لیبرالها برای بقیه از صفحه ۴

و چرا به آنها اجازه نمی‌دهند تا با امتیازات جزئی، رژیم را در مبارزه علیه رادیکال‌تر شدن مبارزه کارگران و توده‌ها و در مبارزه علیه انقلابی جدید یاری رسانند. گذشته از این لیبرالها که می‌دانند حاکمیت مانند خودشان و مانند هر نیروی ضد انقلابی دیگر از هیچ چیزی بیش از یک جنبش انقلابی برخاسته از میان توده‌های محروم و یک انقلاب جدید هراس ندارد، این مسئله را به سردمداران رژیم هشدار می‌دهند و با اشاره به خود می‌گویند: "اگر دستگاه شما تحمل چنین گروه و چنین طرز تفکر و سیاستی را ندارد و هر گونه ارائه طریق و انتقاد قانونی یا امر به معروف و نهی از منکر را خفه می‌کند چه راه دیگری را شما در برابر ملت قرار داده‌اید؟" (اعلامیه‌ای تحت عنوان "اعتراضیه نهضت آزادی") آری لیبرالها در چک و چانه‌زنی‌های خود با رژیم، به هراس خودشان و رژیم از انقلاب و مبارزه انقلابی توده‌ها تکیه می‌کنند و نیروی مردم را "وجه المصلحه" خود با رژیم قرار می‌دهند.

ناگفته پیداست که این طرز تفکر و این سیاست با منافع کارگران و توده‌های مردم آشتی ناپذیر است. آزادی مورد نظر لیبرالها آزادی

صاحبان سرمایه‌های بزرگ برای اعمال ستم و فشار بر توده‌ها و آزادی غارت منابع ملی کشور و دسترنج زحمتکشان توسط صاحبان انحصارات غولپیکر بین‌المللی است. در حالیکه آزادی واقعی مردم تنها زمانی تامین می‌شود که قدرت سیاسی و اقتصادی سرمایه‌داران بزرگ و متعده‌ان امپریالیست آنها و حافظ کنونی این منافع در ایران، یعنی رژیم جمهوری اسلامی برانداخته شود و به جای آن جمهوری دموکراتیک خلق، یعنی قدرت کامل کارگران و توده‌ها برقرار گردد.

رژیم مطلوب لیبرالها رژیمی است که در چهار چوب نظام جمهوری اسلامی، یعنی در چهار چوب سرمایه‌داری وابسته، آنها را شریک دست اول در استثمار کند. لیبرالها می‌کوشند به مردم بیاوراند که اگر آنها سهم بیشتری در حاکمیت سیاسی یافتند و چند پست بالای حکومتی را از آن خود ساختند "مردم بر سرنوشت خود حاکم" خواهند شد. در حالیکه تنها رژیمی که می‌تواند خواسته‌های اساسی کارگران و توده‌ها را تامین کند و آنها را بطور واقعی بر سرنوشت خویش حاکم گرداند، رژیمی است که بدنبال در هم شکستن قدرت موجود، با انکاء به قدرت کامل و مستقیم خود مردم بر پا شود.

رامحل پیشنهادی لیبرالها برای "بحران عظیم

و همه‌جانبه" موجود این است که رژیم ضمن ادامه سیاست‌های ارتجاعی تشدید فشار به کارگران و توده مردم، به آنها نیز اجازه دهد تا به همراهی رژیم با استفاده از امتیازات کاملاً جزئی در جهت فلج کردن رشد مستقل جنبش کارگری و توده‌ای و در جهت جلوگیری از کشیده شده جریان امور به یک انقلاب جدید تلاش کنند. در حالیکه توده‌ها تنها زمانی می‌توانند به خواسته‌های اساسی خود دست یابند که برخلاف میل حاکمیت و برخلاف میل لیبرالها، به نیروی خود متکی باشند و مبارزه انقلابی توده‌ای علیه رژیم و برای سرنگونی آن را پیگیرانه به پیش برند. انقلابیون کمونیست در مبارزه خود برای ارتقاء آگاهی کارگران و توده‌ها باید خیانتکاری لیبرالها و اهداف خود غرضانه آنها را افشاء کنند. در این زمینه هم چنین باید به رفرمیست‌هایی اشاره کرد که درباره لیبرالها توهم پراکنی می‌کنند، لیبرالها را علیرغم همه تجارب تاریخ، "متحد خلق" می‌خوانند و مردم را به تشکیل "جبهه واحد خلقی" (مسائل انقلاب و مواضع ما، شماره ۳) با لیبرالها تشویق می‌کنند. هر قدر که ما در تبلیغ بی‌اعتمادی به لیبرالها و رفرمیست‌های مدافع لیبرالها در میان توده‌ها و پیگیرتر باشیم، مبارزه کارگران و توده‌ها موثرتر و شمرخش‌تر خواهد بود. ●

نابود یاد جنگ. زنده یاد صلح!

مردم تبریز! رژیم‌های ارتجاعی و جنایتکار ایران و عراق همچنان آتش جنگ را عمله‌ورتر می‌کنند. بمباران‌های اخیر مناطق مسکونی از جانب هر دو رژیم منجانبه‌دوگرایی است علیه مردم محروم ایران و عراق.

به‌عبارت دیگر جنگ هتا به‌روزی "یعنی گسترش جنگ هم‌منی کثرت‌رهنمایی و آوارگی مردم محروم ایران یعنی ادامه بمباران‌ها و داغدار شدن تعداد بیشتری از مردم".

برای رسیدن به صلح علیه عمار "جنگ هتاه‌روزی" علیه جنگ و رژیم جنگ‌طلب حاکم مبارزه کنیم.

گروهی یاد خاطره پنجمین فصل کتاب خیابان سعدی یک دهکده یوسف آباد و دیوه چپی

کمیته شهر تبریز سازمان فدائیان خلق ایران

۲۳ اسفند ۶۳

شعر زیر سروده رفیق کارگری از اصفهان است که برای "فدائی" ارسال کرده است.

دشمن اگر هزار تیر به قلم رها کند
کی راه خویشتن ز حقیقت جدا کنم
با دوستان بگو که چو کوه ایستاده‌ام
تا جان به راه ستمکش فدا کنم
تسلیم ظلم من نشوم تا ورق مراسم
عشقی است در سرم نتوانم رها کنم



نام و یاد رفیق شهید دکتر هوشنگ اعظمی جاودانه است

۲۵ اردیبهشت سالروز شهادت رفیق دکتر هوشنگ اعظمی، انقلابی سرشناس، پزشک مردمی و فرزند محبوب مردم لرستان است. رفیق هوشنگ اعظمی فعالیت و مبارزه سیاسی خود را از سالهای ۲۹-۳۲ آغاز کرد و مبارزه انقلابی را در سالهای دیکتاتوری و خفقان پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ادامه داد. در این سالها، دوبار توسط مزدوران ساواک رژیم شاه دستگیر شد و زندان و شکنجه را قهرمانانه تحمل کرد. طی دوره دانشجویی دانشکده پزشکی در ارتباط با گروه رفیق بیژن جزئی قرار گرفت. بدنبال دستگیری بیژن و رفقای همرزم، دکتر هوشنگ اعظمی، پیکیر و پرتلاش راه انقلابی رفقای دربند را ادامه داد. دکتر که از محبوبیتی بی‌نظیر و گسترده در میان مردم لرستان و بویژه توده‌های روستایی و عشایر برخوردار بود یک دم از یاد محرومان غافل نبود. حیاط مطب دکتر اعظمی در خرم‌آباد همیشه پر از روستائیان بود که بیماران خود را از راه دور و با احساس نزدیکی و علاقه بسیار نزد "دکتر" می‌آوردند. محبوبیت دکتر اعظمی و صمیمیت و پیوند عمیقی که میان او و توده‌های لرستان برقرار بوده، همواره ساواک را دچار هراس و وحشت می‌کرد. مزدوران ساواک تا پیش از سال ۵۲ چندبار و از جمله در پائیز ۴۹ رفیق هوشنگ را دستگیر و در قزل‌قلعه زندانی کردند. در سال ۵۲ بدنبال شهادت فدائی شهید مجتبی خرم‌آبادی و دستگیری و متواری شدن عده‌ای دیگر از رفقا، رفیق هوشنگ اعظمی نیز به‌مراه عده‌ای از همزمان زندگی مخفی را در پیش گرفت و سرانجام در ۲۵ اردیبهشت سال ۵۴ طی یک درگیری با مزدوران ساواک به شهادت رسید. ساواک شاه، از ترس خشم توده‌های لرستان هیچگاه جرئت اعلام خبر شهادت او را نیافت. پس از پیروزی انقلاب، مردم شهرها و روستاها و توده‌های عشایر لرستان در ستایش از فرزند محبوب خود، بیمارستان بزرگ شهر خرم‌آباد را "بیمارستان شهید دکتر هوشنگ اعظمی" نامگذاری کردند. گردانندگان جمهوری اسلامی نیز مانند رژیم شاه، تاب تحمل یاد و نام این انقلابی بزرگ، مبارز راه توده‌ها و فرزند محبوب زحمتکشان لرستان را نداشتند و بالاخره نیز به تحریک و دستور مستقیم سرمداران رژیم جمهوری اسلامی و شخص هاشمی رفسنجانی، نام بیمارستان شهید دکتر اعظمی تغییر داده شد. اگر رژیم شاه جرئت اعلام خبر شهادت رفیق دکتر هوشنگ اعظمی را نیافت، رژیم جمهوری اسلامی هم می‌خواست خاطره گرامی شهادت او را از یادها ببرد. هم رژیم شاه و هم رژیم جمهوری اسلامی تلاش بی‌حاصل کردند چرا که نام و یاد رفیق هوشنگ اعظمی برای همیشه در قلب مردم و توده‌های لرستان زنده می‌ماند.



پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران به کارگران و زحمتکشان میهن به مناسبت،
اول ماه مه، روز تجلی همبستگی بین‌المللی کارگران

کارگران و زحمتکشان سراسر میهن!

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز تجلی همبستگی بین‌المللی کارگران سراسر جهان در پیکار مشترک علیه سرمایه‌داری و برای نیل به سوسیالیسم و کمونیسم است. مردم کشورهای سوسیالیستی، در شرایطی این روز را جشن می‌گیرند که طبقه کارگر سالهاست قدرت دولتی و رهبری جامعه را در دست گرفته و استثمار سرمایه‌داری و مصائب ناشی از آن، نظیر فقر و بیگاری، عدم تامین حقوق اجتماعی و عدم مشارکت واقعی مردم در اداره امور دولت و جامعه را برانداخته و مردم را بر سرنوشت خویش، بر منافع ملی خود و بر حاصل کار خود حاکم گردانده است. در کشورهای امپریالیستی، کارگران در شرایطی جشن اول ماه مه را برگزار می‌کنند که اقلیتی از صاحبان انحصارات چندملیتی بر سرنوشت و بر حاصل کار اکثریت زحمتکش جامعه حاکم است. کارگران این کشورها علیه سیاست جنک‌افروزانه صاحبان انحصارات صنعتی، بانکی و نظامی، علیه سیاست‌های ریاضت‌گشانه آنها و برای بنای جامعه‌ای عاری از ستم و استثمار مبارزه می‌کنند. در کشورهای تحت سلطه نیز، کارگران و زحمتکشان در شرایطی این روز را جشن می‌گیرند که میهنشان تحت سلطه امپریالیستها و طبقات ارتجاعی داخلی قرار دارد و آنها رزمی جانانه را برای آزادی ملی و رهائی اجتماعی، برای برقراری قدرت دموکراتیک خلق و پیشروی به سوی سوسیالیسم به پیش می‌زنند. در یک کلام، در سراسر جهان مبارزه‌ای بی‌امان علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری و برای نیل به سوسیالیسم و کمونیسم جریان دارد.

کارگران میهن ما در شرایطی به استقبال جشن اول ماه مه می‌روند که رژیم ضدکارگر و ضدرئسمی جمهوری اسلامی جامعه ایران را در بحرانی عمیق فرو برده است. رژیم با تحمیل جنگی ارتجاعی و خانمانسوز، زندگی میلیون ها زن و مرد ایرانی، حاصل کار کارگران و زحمتکشان و منابع ملی میهن ما را قربانی مقاصد ارتجاعی خود کرده است. رژیم در تلاش مذبحخانه برای غلبه بر بحران اقتصادی و مالی خویش، اقدامات خود را برای انتقال عواقب بحران به دوش کارگران و توده‌ها شدت بخشیده و بالاخره رژیم ضمن ادامه جنک ارتجاعی در خارج، در داخل کشور نیز جبهه وسیعی را علیه کارگران و توده‌ها و نیروهای انقلابی و مترقی گشوده و در این مسیر همه ابزارهای ارتجاعی چون سرکوب و به خاک و خون کشیدن کارگران اعتصابی و توده‌های مبارز و شکنجه و کشتار انقلابیون را بکار گرفته است.

در چنین شرایطی است که کارگران ایران، مبارزه خود را علیه رژیم جمهوری اسلامی و سیاست‌های ضدکارگری و ضدخلقی آن و علیه ابزارهای دوگانه ادامه حیات رژیم، یعنی سرکوب و فریب، گسترش می‌دهند. کارگران ایران در جریان انقلاب بهمن و در راهپیمایی‌ها و تظاهرات اول ماه مه در سالهای ۵۸، ۵۹ و ۶۰ نشان داده‌اند که چه قدرت عظیمی برای مبارزه در راه منافع زحمتکشان و منافع ملی کشور دارند. درست بدلیل این قدرت و نیز توان کارگران برای بسیج و به حرکت درآوردن دیگر اقشار مردم است که رژیم جمهوری اسلامی سعی کرده است با قدرت نمایی وحشیانه و با فریبکاری‌های رنگارنگ، از مبارزه انقلابی کارگران جلوگیری کند و حتی خاطره انقلاب و مبارزه انقلابی را از ذهن آنها بزداید. در این زمینه رژیم، نه تنها به دستاوردهای انقلاب بهمن، بلکه همچنین به دستاوردهای مبارزه کارگران در دوره قبل از انقلاب نیز دست انداخته است. حذف تعطیلی روز اول ماه مه، یکی از این موارد است.

اما نه فقط رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی، بلکه هیچ ضدانقلابی در جهان نمی‌تواند مهم‌ترین دستاورد انقلاب بهمن برای کارگران، یعنی تجربه انقلابی عظیم آنها را از چنگشان برباید. کارگران ایران، در جریان انقلاب بهمن، طبقات و اقشار مختلف را در عرصه عمل آزموده و دریافته‌اند که این تنها مبارزه انقلابی خود آنها است که می‌تواند خواست‌های اساسی آنها را تامین و معضلات اساسی جامعه ما را حل کند. طبقه کارگر ایران، باید با بهره‌گیری از تجربه انقلابی خود و علی‌رغم همه سرکوب‌ها و فریبکاری‌های رژیم، صفوف خود را برای مبارزه در راه صلح، کار و آزادی، در راه سرنگونی رژیم و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق متشکل کند. با چنین تشکل و با چنین مبارزه‌ای می‌توان امید قطعی داشت که در چشم انداز آینده، جشن‌های اول ماه مه، در ایرانی صلح‌جو، آزاد و آباد، در ایرانی مستقل، دموکراتیک و خلقی، و سرانجام در ایرانی سوسیالیستی برگزار شود.

مرک بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا
زنده باد اول ماه مه، روز تجلی همبستگی بین‌المللی کارگران و زحمتکشان

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اردیبهشت ماه ۱۳۶۴

مردم مبارز اوک :

در شرایط کنونی که فرزندان مبارز و انقلابی شما در زندانها و شکنجه‌گاههای جمهوری اسلامی
سرمس برنده و عمصدا با سازمان فدائیان خلق ایران و سایر نیروهای انقلابی فرابدرآرند

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

نواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اوک

تشکل‌های مخفی کارگری را سازمان دهیم

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران به پرسنل میهن پرست ارتش

پرسنل مبارز ارتش

جبهه ترویید. از جبهه فرار کنید. در ارتش علیه جنگ تبلیغ کنید. مبارزه اعتراضی علیه جنگ را در میان نیروهای مسلح سازماندهی کنید. و در مبارزات و اعتراضات مردم فعالانه شرکت نمایید. مطمئن باشید که در هر گامی که در این راه بر می‌دارید حمایت توده‌های مردم ایران و همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه را با خود دارید.

اینک همه مردم ایران که عمیقاً با جنگ خانمانسوز ایران و عراق مخالف هستند و بار سنگین آن را بر دوش خود لمس می‌کنند روز بروز قاطعانه‌تر علیه جنگ و رژیم جنگ‌افروز جمهوری اسلامی به پا می‌خیزند و برای استقرار صلح به مبارزه روی می‌آورند. زمان آن فرا رسیده است که شما سربازان، درجه‌داران و افسران میهن‌پرست به هرگونه که ممکن است و به هر صورتی که می‌توانید علیه جنگ و برای صلح تبلیغ کنید. به

سربازان، درجه‌داران و افسران میهن‌پرست رژیم جمهوری اسلامی برخلاف مصالح ملی ایران و برخلاف تمایل همه مردم قصد دارد، همچنان زندگی و شرافت شما را ملعبه اهداف ارتجاعی خویش سازد و با به کشتن دادن پرسنل ارتش و هزاران هزار تن از دیگر فرزندان ایران، بر شکست مفتضحانه سیاستهای جنگ‌افروزانه و ضد مردمی خود سرپوش گذارد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۴

پیام پلنوم هشتم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران به رفقای سازمانی

رفقای گرامی!

که در کنار این ایثار و فداکاریها، با ضعفها و کاستیها در کار سیاسی و سازمانی آشتی‌ناپذیرند و آنها را مانعی در برابر استحکام هر چه بیشتر سازمان و شریکشی حدانشر مبارزه‌اش و مانعی در برابر توده‌گیر شدن هر چه سریعتر مواضع آن در میان مردم می‌دانند. کمیته مرکزی سازمان هم آن عزم و توان انقلابی و هم این روحیه جدی و انتقادی را ارج بسیار می‌نهد و از آنها الهام می‌گیرد. این خصائص صامن ادامه‌کاری انقلابی سازمان، ضامن رشد خلاق و رزمنده آن، ضامن پیروزی مبارزه آن علیه انحرافات رفرمیستی و سازشکارانه و نیز انحرافات چپ‌روانه و سکتاریستی، و ضامن جلب اعتماد کارگران و توده‌هاست.

رزمندگان فدائی!

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، به همه کادرها، اعضا و هواداران سازمان که در شرایط دشوار سرکوب و اختناق رژیم ضدکارگری و ضدخلقی جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند، به همه رفقای که دز شکنجه‌گاهها و زندانهای رژیم با مقاومت حماسی خود از آزمون انقلابی سازمان دفاع می‌کنند و سنت گرانقدر فدائیان خلق و سنت ریشه‌دار مقاومت همه انقلابیون در سراسر تاریخ میهن‌مان را پاس می‌دارند و به همه رفقای که دور از میهن، دغدغهای جز رنج و محرومیت کارگران و توده‌ها ندارند و در راه آزادی ملی میهن و رهائی اجتماعی زحمتکشان پیکار می‌کنند، درود می‌فرستد و رزم جانانه آنها را، که بنر آگاهی و مقاومت در بین توده‌ها می‌افشاند، ارزش عالی می‌نهد.

رفقای گرامی!

پلنوم کمیته مرکزی سازمان همه رفقا را فرا می‌خواند تا دست در دست هم با الهام و درس‌گیری از انقلاب بهمن و رویدادهای متعاقب آن که همگی با کوشش و پوست خود آن را تجربه کرده‌ایم و با الهام و نیرو گرفتن از درسها و نتایج مبارزه‌ای که بویژه در سالهای اخیر انجام داده‌ایم، هر چه پیگیرتر و قاطع‌تر در راه جوش خوردن با جنبش کارگری و توده‌ای در حال رشد، در راه صلح، کار، آزادی که خواستهای بلاواسطه مردم ایران است، در راه وحدت رزمنده و انقلابی جنبش کمونیستی و تشکیل حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران که تنها راه واقعی تامین رهبری طبقه کارگر کمونیستها در انقلاب است، در راه پیشبرد خطمشی مبارزه انقلابی توده‌ای برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق که تنها حاکمیتی است که می‌تواند خواستهای اساسی کارگران و مردم ایران را تامین کند، مبارزه کنیم.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان همه رفقا را فرا می‌خواند تا در شرایط خطیر کنونی که با ورشکستگی همه جانبه سیاستهای رژیم در عرصه‌های جنگ، اقتصاد و سرکوب از یکسو و رشد فزاینده مبارزه کارگران و توده‌ها مشخص می‌شود، با تلاش بی‌امان برای استحکام هر چه بیشتر سازمان و برای انجام وظایف انقلابی مهمی که گزارش سیاسی مصوب پلنوم و سایر مصوبات آن مشخص می‌کند، نقش ارزشمند خود را در پیکار برای تحقق این اهداف عالی ایفا نمایند.

با امید و اطمینان به پیروزی راهمان
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
فروردین ماه ۱۳۶۴

در فاصله‌ای که از پلنوم پنجم کمیته مرکزی سازمان می‌گذرد میهن ما و زحمتکشان ایران حوادث و فجایع دردناکی را از سر گذرانده‌اند. جنگ خانمانسوز و بی‌حاصل که رژیم جمهوری اسلامی بر میهن ما تحمیل کرده، دهها هزار تن دیگر بر قربانیان خود افزوده و انبوهی از ثروتهای ملی و حاصل دسترنج مردم را به کام شوم خود فرو کشیده است. فشار طبقات حاکم و رژیم نماینده آنها بر کارگران و مردم باز هم بیشتر شده و زندگی آنها را هر چه دشوارتر و غیرقابل تحملتر ساخته است. سرکوب حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم به ناهنجارترین و وحشیانه‌ترین شکل ادامه یافته و تشدید شده است. شمار زیادی از انقلابیون که دز رده بهترین فرزندان میهن ما هستند، توسط رژیم جمهوری اسلامی به جوخه‌های اعدام سپرده شده و یا زیر شکنجه به شهادت رسیده‌اند.

در این مدت سازمان ما با سرسختی و پایداری رزمندگان خود در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی برک سرخ دیگری بر تاریخ پرافتخار سازمان افزوده و بار دیگر نشان داده است که علی‌رغم سخت‌ترین شرایط سرکوب و اختناق، به پیکار در راه استقلال و آزادی میهن و منافع کارگران و توده‌های مردم ادامه می‌دهد و در این راه به رسم انقلابیون کمونیست آماده است بزرگترین ایثارها و فداکاریها را انجام دهد. در این دوره عزم انقلابی، پایداری و هشیاری نیروهای سازمان توطئه رژیم را برای درهم شکستن سازمان نقش بر آب ساخت و ادامه‌کاری آن را تا حدین نمود. در عین حال، کادرها، اعضا و هواداران سازمان نشان داده‌اند

انما ز سال جدید را با مبارزه برای صلح علیه جنگ و آزادی زندانیان

سیاسی به مردم میهنمان بویژه کارگران و زحمتکشان تبریک می‌گوییم!

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران. رگت

برای افزایش دستمزدها مبارزه کنیم

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران به مناسبت اعتراضات چند روزه اخیر مردم تهران علیه جنک هم میهن بپا خیز علیه جنک و کشتار

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که از گسترش اعتراضات توده‌های مردم علیه جنک به وحشت افتاده، مردم زحمتکش محله ۱۳ آبان (۹ آبان سابق) را بحاطر آنکه علیه جنک دست به اعتراض زده بودند به گلوله بست تا به خیال خود صدای آنان را خاموش نماید و سایر مردم را از مبارزه منصرف سازد. اما این حادثه نتیجه‌ای کاملاً خلاف انتظار رژیم به باز آورد. خیر اعتراض بیش از سه هزار تن از زنان و مردان خشمگین محله ۱۳ آبان و درگیری آنان با مزدوران رژیم به سرعت در سراسر ایران و جهان منعکس شد و میلیونها هم میهن ما در تهران و سایر مناطق کشور از این حادثه که نشانه رشد و گسترش مبارزه علیه جنک و رژیم جنک‌افروز جمهوری اسلامی است استقبال کردند. جریان شکلگیری اعتراض به این صورت بود که:

روز سه‌شنبه ۲۰ فروردین، ساعت ۱۱ صبح، در محله ۱۳ آبان میان گشت کمیته با جوانی که پدر و مادرش را در اثر بمباران‌های هوایی از دست داده بود، زد و خوردی رخ داد که مردم ضمن دادن شعارهای "ما جنک نمی‌خواهیم" و "مرك بر پاسدار" و "مرك بر خمینی" به حمایت از جوان مزبور و اعتراض علیه جنک برخاستند. در این موقع ماموران کمیته اقدام به تیراندازی کردند که يك نفر کشته و عده‌ای زخمی شدند. مردم خشمگین محله جنک‌زده ۱۳ آبان که از این اقدام جنایتکارانه ماموران گشت کمیته به شدت برانگیخته شده بودند با مزدوران رژیم به زد و خورد پرداختند و تا ساعت ۸ شب همانروز با دادن شعار علیه جنک و علیه رژیم اقدام به راه‌بندان و تظاهرات در خیابانهای محله نمودند. خبر حرکت قهرمانانه مردم زحمتکش محله ۱۳ آبان به سرعت در سطح شهر تهران منعکس گشت و بدنیاال آن در روز پنج‌شنبه ۲۲ فروردین تظاهراتی با شرکت حدود ۱۰۰۰ نفر در خیابان مصدق حوالی میدان ولی‌عصر به وقوع پیوست که رژیم برای مقابله با آن از پلیس استفاده نمود تا به خیال خود از خشم و نفرت رو به افزایش مردم علیه پاسداران و ماموران کمیته‌ها بکاهد. هم‌چنین تظاهرات پراکنده دیگری علیه جنک و علیه رژیم در محله‌های دولت‌آباد، خزانه، حوالی میدان امام حسین و... به وقوع پیوست که رژیم جنک و جنایت را به وحشت انداخت. بدنیاال این اعتراضات رژیم برای مرعوب کردن مردم، اوباشان خود را در سطح شهر با کامیون و موتورسیکلت براه انداخت تا با شعار "جنک، جنک، جنک تا پیروزی" حرکت‌های متعدد مردم را کوچک جلوه داده و مردم را از ادامه شرکت در این تظاهرات بازدارد. این مزدوران در چندین منطقه ضمن تکرار شعارهایی به نفع جنک به زنان حمله کرده، آنان را مورد اهانت قرار داده و مغرور نمودند. از جمله در روز یکشنبه ۲۵ فروردین ساعت ۲ بعد از ظهر در خیابان تخت‌طاووس دو کامیون حزب‌اللهی که شعار جنک جنک تا پیروزی می‌دادند به زنان حمله نمودند و به وحشیانه‌ترین شکل ممکن آنان را مورد تحقیر و ضرب و شتم قرار دادند. در همه این موارد، مردم در برابر تهاجمات مزدوران به مقابله برخاستند و آنان را به فرار مجبور ساختند.

هم میهنان مبارز

رژیم جنک و جنایت و در راس آن آیت‌الله خمینی که به قول خودش کشتار دهها هزار انسان برای او "اصلاً مهم نیست" پول نان مردم رنج‌دیده ایران را به همراه خون جوانان وطن در کوره‌های جنک دود می‌کند، شهرهای ایران را به ویرانی می‌کشد، مردم را در زیر بمباران و موشک‌باران وحشیانه رژیم ارتجاعی عراق رها می‌سازد تا بدین وسیله هدفهای ضد خلقی خود را به پیش برد و منافع سرمایه‌داران، تجار بزرگ و مقامات فاسد حکومتی را که از رهگذر جنک و جنایت روز به روز فربه‌تر می‌شوند، تامین نماید. تجربه ۵۵ ماه جنک به روشنی نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی به هیچ وجه حاضر نیست به میل خود جنک را پایان دهد. برای ما مردم ایران تنها يك راه باقی مانده است مبارزه متحدانه علیه جنک و رژیم جنک‌افروز. همه شواهد گواه بر آن است که هر روز توده‌های به ستوه آمده از تلفات جبهه‌ها و بمباران شهرها ضرورت چنین مبارزه‌ای را بیشتر درک می‌کنند و به مبارزه آشکارتر و قاطع‌تری روی می‌آورند.

هم میهنان مبارز، نیروهای انقلابی و ترقیخواه

امروز يك شعار علیه جنک، يك اقدام ظاهراً کوچک علیه جنک نه تنها مستقیماً به هدف استقرار صلح خدمت می‌کند بلکه مبارزه در این راستا موثرترین و مهمترین عرصه مبارزه در راه تقویت جنبش توده‌های مردم ایران در راه سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق سایر اهداف و خواستهای عادلانه مردم ایران نیز هست. پس بیایم برای پایان دادن به جنک و برای سرنگونی رژیم جنک و جنایت دست به دست هم دهیم. متحدانه علیه جنک به پا خیزیم، فرار از جبهه‌ها و امتناع از سربازی را تشویق کنیم و شعار "هم میهن بپا خیز علیه جنک و کشتار" را در سراسر ایران تبلیغ کنیم.

با این امید که در پرتو مبارزات متحدانه‌مان، نابودی جنک، فقر و اختناق و استقرار صلح، آزادی و برابری را با برقراری دموکراسی خلقی بر ویرانه‌های جمهوری اسلامی جشن بگیریم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
فروردین ماه ۱۳۶۴

گرامی باد خاطره رفقای شهید اردیبهشت ماه

- ✦ خلیل سلمان نژاد
- ✦ محمود نمازی
- ✦ قربانعلی زرکاری
- ✦ مهوش خانی
- ✦ جهانگیر باقرپور
- ✦ میترا صانعی
- ✦ مسعود دانیالی
- ✦ کاظم سعادتى
- ✦ کمال کیانفر
- ✦ تورج اشیری
- ✦ جمشید دیندار
- ✦ جمیل طوفانی
- ✦ توفیق قریشی
- ✦ شیرین فضیلت‌کلام
- ✦ علی‌اکبر (فرزیدون) جعفری
- ✦ عزت غروی (رفیق مادر)
- ✦ ارژنگ شایگان شام‌اسبی
- ✦ ناصر شایگان شام‌اسبی
- ✦ فریده (فاطمه) غروی
- ✦ فرهاد صدیقی باشاکی
- ✦ عبداله پنجه‌شاهی
- ✦ مرضیه احمدی‌اسکوئی
- ✦ هادی فرجاد پزشک
- ✦ مصطفی حسن‌پور اصیل
- ✦ صادق احمدی
- ✦ رویا علی‌پناهی
- ✦ مریم پنجه‌شاهی
- ✦ مهدی‌خاتمی
- ✦ فرزاد دادگر
- ✦ لادن آل‌آقا
- ✦ احمدرضا قنبرپور
- ✦ محمدرضا قنبرپور
- ✦ حسین فاطمی
- ✦ میترا بلبل‌صفت
- ✦ اسماعیل عابدی
- ✦ بهروز ارمغانی
- ✦ حسین جعفری
- ✦ محمود خرم‌آبادی
- ✦ سوسن تجارتي
- ✦ پروین افروزه
- ✦ زهرا بندیرشامچی
- ✦ صدیق زارعی
- ✦ عادل اسکندری
- ✦ دکتر هوشنگ اعظمی

کمک مالی به سازمان فدائیان خلق ایران یک وظیفه انقلابی است

حک‌های مالی خود را به حساب زیر واریز نماید
BANQUE C.L
N°: 85894 J
M^{me} FERESHTEH. F
AGENCE 461
PARIS FRANCE

با ما مکاتبه کنید!

O. I. P. F.
P. O. BOX 516
LONDON SW9, 9JW
ENGLAND



KAR BOX 7082
S-17107 SOLNA
SWEDEN



پیش بسوی تشکیل حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران